

عوامل اجتماعی دستیابی به حکمت از منظر آیات و روایات

شهره اسکندری^۱

چکیده

حکمت به معنای دانش و استواری در گفتار و کردار است که به وسیله آن شناخت درست حقایق حاصل می شود و موهبتی الهی است که خداوند نصیب انسان پاک می کند از اهمیت بسیاری برخوردار است. علم یکی از مهم ترین فضایی است که می تواند انسان را به خداوند متعال نزدیک کند؛ اما به تنهایی کافی نمی باشد و تنها در صورتی می تواند موثر باشد که انسان را وادار به عمل کرده و منجر شود او در مسیر رسیدن به خداوند گام بردارد. این پژوهش به روش کتابخانه ای و با تکیه به آیات و روایات و مراجعه به منابع اخلاقی، عوامل اجتماعی را مورد بررسی قرار گرفته است عوامل اجتماعی عواملی هستند که انسان در پی حکمت باید نسبت به افراد اجتماع در نظر بگیرد که شامل تواضع، امانت داری و مدارا با مردم، راستگویی و صدق، قدردانی، امر به معروف و نهی از منکر است. بنابراین همان مواردی که اسلام بر آن ها تاکید داشته و مسلمین را بدان ها دعوت می کند، زمینه دست یابی به حکمت است. اگر مسلمین به همه دستورات اسلامی عمل کنند و موارد اخلاقی را رعایت نمایند، به مقام حکمت می رسند و می توانند با قدرت حکمت، حق و باطل را به درستی تشخیص دهند.

کلیدواژه ها: حکمت، ، دستیابی، علم، عوامل اجتماعی.

۱. دانش پژوه سطح دو حوزه علمیه فاطمیه (سلام الله علیها)، کرج

مقدمه

حکمت از آن جایی که باعث می گردد انسان در راه رسیدن به کمال حقیقی، مسیر درست را پیشه کند و به رستگاری برسد، تا او بدان وسیله راه را از بیراهه بشناسد و در مسیر ضلالت و گمراهی نیفتد.

خداوند متعال انسان را آفرید و او را در مسیر هدایت نهاد و عوامل متعددی را برای هدایت او قرار داد. برای او پیامبرانی فرستاد تا مسیر درست زندگی را به او بشناسانند، به او عقل داد تا با بررسی امور به علم دست یافته و با انجام اموری که به آن ها علم دارد به حکمت دست یابد و به شناخت درست حقایق برسد و اعمال و رفتار خود را براساس آن تنظیم کرده و در راه رسیدن به کمال لایق خود، از حکمت بهره جوید.

بخش زیادی از منابع موجود به صورت پراکنده به برخی از راه های کسب حکمت و بیش تر به معرفی عوامل کسب حکمت در زمینه ای خاص بسنده کرده اند. برخی از این منابع عبارتند از:

۱- مرتضی مطهری، حکمت ها و اندرزها، فجر

مطهری در این کتاب حکمت هایی که در زهد و خصوصیات اخلاقی دیگر وجود دارد، توضیح داده و آثار فردی و اجتماعی آن ها را مورد بررسی قرار داده است. اثر پیش رو در ادامه به صورت جزئی به اسباب رسیدن به حکمت اجتماعی می پردازد.

۲- زهرا صرفی، تبیین انسجام محتوایی سوره لقمان با روش تحلیل محتوای کیفی،

فصلنامه علمی تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا (سلام الله علیها)

این مقاله به بررسی انسجام محتوایی در آیات سوره مبارکه ی لقمان و کشف مفاهیم محوری برای تبیین ارتباط میان آیات این سوره می پردازد و با استخراج و دسته بندی مفاهیم در آیات مشخص می کند که محور اصلی مفاهیم این سوره، مدح حکمت و چگونگی حصول آن می باشد. البته در این پژوهش به تفصیل به عوامل اجتماعی دستیابی به حکمت پرداخته می شود.

۳- سید کاظم سید باقری، نگرش تمدنی به حکمت در اخلاق سیاسی با تاکید بر دیدگاه آیت الله خامنه ای، فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی

این مقاله به بررسی رویکرد تمدنی به حکمت در اخلاق سیاسی با تکیه بر دیدگاه آیت الله خامنه ای می پردازد. در یافته های تحقیق و فرضیه آن بر این امر تاکید شده است که هرگاه حکمت در اخلاق سیاسی و روابط اخلاقی دولت اسلامی حضور یابد، زمینه ی دستیابی به تمدن جدید اسلامی فراهم می گردد.

۴- علیرضا کاوند، معناشناسی توصیفی واژه حکمت با تکیه بر آیات و روایات، فصلنامه مطالعات قرآنی

در این مقاله با اشاره به آیه «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ»^۱ و با اشاره به ارتباط آیه یاد شده با آیات پیشین سوره که درباره ی برخی احکام و معارف دینی (انفاق و آثار آن و...) است، درک معارف و حقایق دینی و عمل به مقتضای آن را حکمتی خدادادی برشمرده و به بیان مصادیقی از حکمت از جمله علم، دانش، تدبیر و... پرداخته است.

این پژوهش در پی پاسخ به این سوال است که چه عوامل اجتماعی باعث کسب حکمت می شود. این موضوع می تواند در علوم مختلفی از جمله فلسفه، اخلاق، تفسیر و ... مورد بررسی قرار گیرد. اما این پژوهش درصدد است تا عوامل اجتماعی کسب حکمت را از منظر علم اخلاق با تکیه بر آیات و روایات مورد بررسی قرار دهد. شناخت این عوامل به انسان کمک می کند که در راه رسیدن به سر منزل کمال و رشد، علم را با عمل همراه کرده و به سهولت به رستگاری دست یابد.

همان طور که آشکار است، انسان برای رسیدن به این هدف، نیازمند معرفت و شناخت نسبت به جهان پیرامون و خالق یکتاست و مرتبه پایین این شناخت علم نام دارد که مستلزمی

برای رسیدن به حکمت می باشد. حکمت است که نوع نگاه انسان به جهان پیرامون و حقایق را تغییر می دهد.

مفهوم شناسی

در بحث مفهوم شناسی ضروری است که مفهوم واژگان حکمت و اجتماع مورد بررسی قرار گیرد.

۱- حکمت

در باب حکمت در لغت معانی همسان و مشابهی بیان شده است. غالب لغویون حکمت را در لغت، استوار و محکم کردن امور معنا کرده‌اند.^۱ و برخی معنای لغوی آن را آگاهی، دانایی،^۲ علم،^۳ عدل و داد، حلم و بردباری^۴ ذکر نموده اند. اغلب بیان داشته اند که حکمت، رسیدن به حق به واسطه عقل و علم است^۵ و در کتاب‌های العین و لسان العرب، استوار و محکم کردن امور معنا شده است. در قاموس قرآن، حکمت یک حالت و خصیصه درک و تشخیص است که شخص به واسطه آن می‌تواند حق و واقعیت را درک کند، از فساد جلوگیری کرده و عمل را متقن و محکم گرداند. به معنای دیگر، حکمت در مقابل خطا می‌باشد^۶ که به معنای مغایرت، ناسازگاری، تفاوت و اختلاف است.

پس حکمت در لغت، گفتار و کرداری بر طبق حقیقت می‌باشد که باعث مطابقت و هماهنگی بین علم و عمل شده، و در نهایت طالب آن را به موفقیت در جهت کمال و رستگاری نائل می‌گرداند. به همین دلیل در عرف صاحب حکمت را حکیم (دانا و دانشمند) می‌نامند (یا می‌خوانند).

یادآوری این مطلب ضرورت دارد که این کلمه در هر معنایی که استعمال شود دلالت بر

1. ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۲۷۱.

2. فراهیدی، العین، ص ۱۹۲.

3. خلیل جر، فرهنگ لازوس، ج ۱، ص ۸۵۴.

4. تهیه و تدوین فرهنگ و معارف قرآن، اصلاح نامه ی معارف قرآن، ص ۸۵.

5. معین، فرهنگ فارسی، ج ۲، ص ۵۱۸.

6. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن کریم، ج ۱، ص ۱۳۴.

۷. کلینی رازی، اصول کافی، ج ۱، روایت ۸.

استواری می‌کند و در بیست جایگاه مختلف از قرآن به معنای علم آیات و فهم حقایق قرآن به کار رفته است.^۱

حکمت در اصطلاح، دانستن امور به واقعیت و اقدام نمودن به کارها آنگونه که شایسته و بایسته باشد است و دو قسم دارد، حکمت در علم و دیگر حکمت در عمل.^۲ در نتیجه حکمت، تلاش انسان در راه رسیدن به علم (که همان حکمت نظری است) و سپس الزام به عمل طبق احکام متقن الهی می‌باشد؛ تا جایی که استواری در عمل ملکه شود و رضایت الهی حاصل گردد و این همان رسیدن انسان به کمال و رستگاری است.

۲- اجتماع

اجتماع را در لغت به معنای گرد هم آمدن^۳، جمعیت و مجمع، مجلس، انجمن و انبوهی و به طور کلی به معنای موافقت، یک دلی و اتفاق، سازگاری نمودن، پیوستگی و اتحاد، یک جهتی و همراهی آمده است.^۴

از منظر جامعه‌شناسی، اجتماع به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که دارای پیوند های قوی و با دوامی اند و نیز گاهی اوقات مکان جغرافیایی مشترکی دارند. همچنین اعضای آن در فعالیت های اجتماعی مشارکت منظمی دارند و هویت یابی قوی با گروه دارند.^۵

۱. حسینی دشتی، دایرة المعارف قرآن (معارف و معاریف)، ج ۳، ص ۲۳۲۷.

۲. مصطفوی، مصباح الشریعه، ص ۳۰۹.

۳. دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۶، ص ۹۱۶۲.

۴. معین، همان کتاب، ص ۹۶.

۵. نفیسی، فرهنگ نفیسی، ج ۱، ص ۹۴.

۶. شارع پور، جامعه شناسی شهری، ص ۱۱.

لَنُظْلِمَنَّ عَظِيمًا»^۱ الله منشا ابدی و ازلی تمام نعمت ها و فیوضات است و توحید با اطاعات محض از اوامر الهی (اعتقاد و اخلاق و عمل) تجلی می یابد.

دومین سفارش لقمان به فرزندش اصل تشکر از واسطه های فیض الهی، به طور خاص پدر و مادر است که یقیناً به گونه ای مندرج در اصل اول است. در سایه ی توحید و با درک «لا مؤثر فی الوجود الا الله»^۲ می توان در برابر اسباب مادی که واسطه فیض الهی به انسان است قدرشناس بود و مهمترین این اسباب که واسطه فیض وجودی اند، مادر و پدر هستند. باور به اینکه منشا تمام نعمت ها و فیوضات، خداوند است پس شکر مخصوص اوست؛ تعارضی با این نکته که باید در برابر واسطه های فیض هم شکرگزار باشیم ندارد. در این آیات شکر با اطاعت پیوند یافته است، پس اطاعت از پدر و مادر مادامی که امر و خواسته ی این واسطه ها با امر الهی در تعارض نباشد معنی دار است و در صورت تعارض، بی تردید امر الهی همواره اولویت دارد و انسان نمی تواند برای شکرگزاری از واسطه ی فیض، منبع و منشا اصلی فیض را نادیده بگیرد و امر الهی را فرو گذارد.^۳

۶- امر به معروف و نهی از منکر

آیه «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزَمِ الْأُمُورِ»^۴ پسر من! نماز را برپا دار، و امر به معروف و نهی از منکر کن، و در برابر مصایبی که به تو می رسد شکیبا باش که این از کارهای مهم است!^۵ این آیه اقامه ی امر به معروف و نهی از منکر که یکی از مهم ترین معروف های اجتماعی است را متذکر می شود که عامل بودن به آن ها، جامعه ی انسانی را به تمام فضایل پیوند می دهد و از تمام رذایل باز میدارد که به خودسازی و رشد کمال فرد می انجامد. مقید بودن به امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ی هر انسانی در قبال رشد و تعالی جامعه انسانی و دیگر افراد به سوی کمال است و حاکی از تعهد انسان نسبت به دیگر بندگان می باشد. چون انجام این وظیفه محتمل آسیب است، دستور به صبر داده شده است. همچنین برای کسب توفیق در فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر در آیه ی «وَلَا تُصَعِّرْ

۱. لقمان: ۱۳.

۲. نفیسی، توحید افعالی در حکمت متعالیه، ص ۵۱.

۳. صرفی، تبیین انسجام محتوایی سوره لقمان با روش تحلیل محتوای کیفی، ص ۱۰۱-۱۰۲.

۴. لقمان: ۱۷.

خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ! (پسرم!) با بی‌اعتنایی از مردم روی مگردان، و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد.^۱ از دو رذیله‌ی اخلاقی منفی تکبر و غرور نهی کرده و در آیه‌ی «وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ»^۲ و در راه رفتنت میانه رو باش، و از صدایت بکاه که بی‌تردید ناپسندترین صداها صدای خران است.^۳ به دو خصلت اخلاقی مثبت اعتدال در حرکت و پایین آوردن صدا در حین سخن گفتن توصیه شده است.

بنابراین امر به معروف و نهی از منکر سبب می‌شود که افراد جامعه در انتخاب مسیر زندگی راه حق و باطل را از هم تشخیص دهند که این همان معنای حکمت است.

به گفته‌ی خداوند در آیه‌ی «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۴ باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آن‌ها همان رستگارانند. «رسیدن به این حکمت حقیقی در دنیا و آخرت سبب سعادت‌مندی و رستگاری افراد می‌شود.^۵

۱. لقمان: ۱۸.

۲. صرفی، همان مقاله، ص ۱۰۲.

۳. لقمان: ۱۹.

۴. آل عمران: ۱۰۴.

۵. صرفی، همان مقاله، ص ۱۰۸.

نتیجه گیری

برای رسیدن به کمال نهایی، اسباب مطمئنی لازم است. خداوند در قرآن کریم این اسباب را بیان کرده اند و در روایات بسیاری نیز به آن ها اشاره شده است. کسب حکمت یکی از آن موارد است. حکمت، انجام دادن امور به صورت مستحکم و دور از فساد می باشد و یکی از مقامات معنوی است که از طریق آن میتوان حق و باطل را تشخیص داد و در دو راهی های زندگی بهترین راه را انتخاب نموده و در نهایت به کمال دست یافت.

عوامل اجتماعی مانند مدارا با مردم، تواضع، امانتداری، راستگویی و صدق، قدردانی، امر به معروف و نهی از منکر؛ زمینه ساز رسیدن انسان به حکمت می باشند. عوامل عنوان شده در توصیه های اخلاقی اسلام، مورد تایید و تاکید اند و چون دارای شاخصه های نظری و عملی نیز می باشند، می توانند انسان را تحت ولایت و محبت خداوند و معصومین (علیهم السلام) به ملکه حکمت رهنمون شده و در دنیا و آخرت سبب رستگاری فرد و جامعه مسلمین شوند.

از این رو ضرورت دارد که پژوهشگران پیرامون «آثار عدم حکمت در زندگی فردی و اجتماعی» و «نقش حکمت در تربیت انسان» به تحقیق بپردازند.

فهرست منابع

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

منابع فارسی

- ۱- انصاری، عبدالله، منازل السائرین، مترجم: روان فرهادی، چاپ دوم، تهران: انتشارات موسی، ۱۳۸۷.
- ۲- تهیه و تدوین فرهنگ و معارف قرآن، اصلاح نامه ی معارف قرآن، قم: بوستان کتاب.
- ۳- خلیل جر، معجم العربی الحدیث، فرهنگ لازوس، مترجم: سید علی طبیبیان، ج ۱، چاپ هجدهم، تهران: سپهر، ۱۳۸۷.
- ۴- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۶، چاپ دوم، تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- ۵- شارع پور، محمود، جامعه شناسی شهری، چاپ دوم، تهران: سمت، ۱۳۸۹.
- ۶- طباطبایی، محمدحسین، تفسیرالمیزان، مترجم: محمدباقر موسوی همدانی، مجلدات (۸، ۱۰)، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
- ۷- عاملی، بهاءالدین محمد، کشکول شیخ بهایی، شیراز، مدرسه آصفیه، ۱۰۴۹ هـ.ق.
- ۸- کلینی رازی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، مترجم: جواد مصطفوی، مجلدات (۱، ۳، ۴)، تهران: ولی عصر، ۱۳۷۵.
- ۹- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، حمیدرضا شیخی، چاپ دوم، قم: موسسه فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۷۶.
- ۱۰- مصطفوی، حسن، مصباح الشریعه، منسوب به جعفر بن محمد امام ششم (علیه السلام)، چاپ اول، تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۶۰.
- ۱۱- مطهری، مرتضی، حکمت ها و اندرز ها، ج ۱، چاپ یازدهم، تهران: فجر، ۱۳۷۹.
- ۱۲- معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۲، چاپ چهارم، تهران: پارس نوین، ۱۳۸۶.
- ۱۳- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، مجلدات (۱، ۲، ۵)، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
- ۱۴- مکارم شیرازی، ناصر، برگزیده تفسیر نمونه، جلد ۱، تهران: دارالکتب اسلامی، ۱۳۷۴.
- ۱۵- نراقی، محمد مهدی، معراج السعاده، تهران: علمیه اسلامی، ۱۳۴۸.

- ۱۶- ورام بن ابی فراس، ابوالحسن، مجموعه ورام، مترجم: محمدرضا عطایی، ج ۱، چاپ سوم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۴.

منابع عربی

- ۱- ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، بیروت: نشر دار الحیاء التراث العزلی، ۶۳۰ هـ.ق.
- ۲- حسینی دشتی، مصطفی، دایرة المعارف قرآن (معارف و معاریف)، ج ۳، چاپ اول، تهران: سپید موی اندیشه، ۱۳۹۳.
- ۳- راغب اصفهانی، حسین ابن محمد، مفردات الفاظ قرآن کریم، چاپ دوم، ج ۱، قم: ذوی القربی، ۱۴۶۳ هـ.ق.
- ۴- فراهیدی، خلیل ابن احمد، العین، چاپ اول، قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۴ هـ.ق.
- ۵- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، چاپ اول، تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۳۸۵.

مقالات

- ۱- سید باقری، سید کاظم، نگرش تمدنی به حکمت در اخلاق سیاسی با تاکید بر دیدگاه آیت الله خامنه ای، فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۵، شماره ۲، مهر ۱۴۰۱، صفحه ۳۷۲-۳۳۳.
- ۲- صرفی، زهرا، تبیین انسجام محتوایی سوره لقمان با روش تحلیل محتوای کیفی، فصلنامه علمی تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا (سلام الله علیها)، سال شانزدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۸، صفحه ۸۵-۱۱۶.
- ۳- کاوند، علیرضا، معناشناسی توصیفی واژه حکمت با تکیه بر آیات و روایات، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال دوازدهم، شماره ۴۷، پاییز ۱۴۰۰، صفحه ۸۷-۶۱.
- ۴- نفیسی، ناهید، توحید افعالی در حکمت متعالیه، خردنامه ی صدرا، شماره ۴۳، بهار ۱۳۸۵، ص ۵۹-۶۱.

منابع دیجیتال

- ۱- نرم افزار جامع الاحادیث.
- ۲- www.ghaemiyeh.com